

پزشکیان:

تسلیم شدن در وجود ما نیست

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور دیروز -سه‌شنبه- در مراسم تجلیل از مدال آوران، کادر فنی و مسئولان تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی، پس از کسب قهرمانی دوگانه در رقابت‌های جهانی کرواسی، با اشاره به اینکه این قهرمانی روح نازهای در جامعه دمید، بر ضرورت تلاش برای استمرار این موفقیت‌ها تأکید کرد و گفت: «نسان همواره باید در تکاپو باشد تا از رقبا عقب نماند، یا کمتر از سایرین نباشد. شما جوانان ورزشکار نشان دادید ما برای برتری کشور خود تلاش می‌کنیم و نسبت به سرزمین خود عرق و تعصب داریم.»

عراقچی:

با واسطه و بی‌واسطه

پیام‌هایی با آمریکا رد و بدل شد

وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان تأکید کرد: با پیشنهاداتی منصفانه، متعادل و سازنده به نیویورک آمدم تا راه‌حلی دیپلماتیک برای این بحران بیابیم اما این پیشنهادها توسط آمریکا و ۲ کشور اروپایی رد شد و آنها به بازگشت فوری تحریم‌ها رو آوردند.

سیدعباس عراقچی همچنین تصریح کرد: «آمریکا به تأسیسات هسته‌ای و مراکز غنی‌سازی ما حمله و آنها را تخریب کرد اما این عملیات نظامی نتوانست مساله را حل کند، زیرا فناوری در دسترس و بومی ما است. فناوری هسته‌ای را از خارج وارد نکرده‌ایم، بلکه خودمان آن را توسعه داده‌ایم. بنابراین فناوری موجود است و اگر نگرانی درباره برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد، راه‌حل آن باید دیپلماتیک باشد و ما همواره آماده گفت‌وگو و راه‌حل دیپلماتیک بوده‌ایم.»

اخراج ۱۲۰ ایرانی از آمریکا

حسین نوش‌آبادی، مدیرکل پارلمانی وزارت امور خارجه با تأیید اخراج ۱۲۰ مهاجر ایرانی از آمریکا، از ارائه خدمات مناسب کنسولی به آنان خبر داد. نیویورک‌تایمز پیش‌تر گزارش داده بود آمریکا بیش از ۱۰۰ ایرانی را به تهران بازگردانده است.

نوش‌آبادی گفت: این موضوع از چند ماه گذشته مطرح بوده و «داره مهاجرت آمریکا با توجه به رویکرد جدید دولت این کشور، تصمیم دارد حدود ۴۰۰ نفر از ایرانیانی را که فعلا در آمریکا به سر می‌برند و عمدتاً به صورت غیرقانونی وارد آن کشور شده‌اند، اخراج کند.»

مدیرکل پارلمانی وزارت امور خارجه اضافه کرد: «در گام اول اینها تصمیم گرفتند ۱۲۰ نفر از ایرانیانی را که از طریق غیرقانونی به آمریکا رفته‌اند که اغلب هم از طریق مکزیک وارد شده‌اند، اخراج کنند. طبق آمار درباره ۱۲۰ نفر تصمیم به اخراج گرفته شده که این افراد طی یکی دو روز آینده وارد کشور خواهند شد.»

ضرغامی:

بلا تکلیفی بدتر از ماشه است

عضو شورای عالی فضای مجازی در تویییتی در صفحه شخصی خود با انتشار ویدئوی مصاحبه خود با روزنامه اعتماد آورده است: «از اینکه تعلیق ۶ ماهه تحریم اروپا رای نیابود، خوشحالم! بلا تکلیفی، بلا جان کشور شده است.»

در بیان سیدعزت‌الله ضرغامی «راه برون‌رفت از وضعیت کنونی، تجدیدنظر در روابط حاکمیت با مردم است.» وی همچنین نوشت: «بخش زیادی از نتگانه‌های بلاوجه مردم، بویژه فروپیت‌های اقتصادی و کنترل بازار، قابل احصا و رفع است.»

اعتراف اندیشکده غربی

شکست اسرائیل در تحریر

قومیت‌های ایرانی

اندیشکده اتلانتیک در گزارشی نوشت: تابستان امسال، یک کارزار با حمایت ایالات متحده که هدف آن تغییر حکومت ایران بود، ممکن به نظر می‌رسید در حالی که اکنون این احتمال کم است و صرفاً می‌توان به عملیات‌های مخفی توسط اسرائیل و مداخله آتی ایالات متحده فکر کرد.

گزارش این اندیشکده همچنین تصریح کرده است فعالان قومی مخالف جمهوری اسلامی ایران درباره کارآیی گزینه سلطنت‌طلبان یعنی رضا پهلوی برای دوران گذار از جمهوری اسلامی ابراز تردید کرده‌اند. گزارش نویسنده با ملاحظاتی برای ایالات متحده به پایان رسیده و نوشته‌است واشنگتن از بلند شدن صهاهایی که نماینده جوامع مختلف ایران هستند، با اهداف و جهت‌گیری‌های متضادشان، سود خواهد برد.

است در حال حاضر برای بسیاری از ناظران خارجی در اولویت باشد اما به هیچ وجه تنها یا حتی نگرانی اصلی بسیاری از شهروندان ایران نیست و در نتیجه آمریکا باید روی گزینه دیگری مانند حقوق اقلیت‌ها در ایران سرمایه‌گذاری کند.

کارشناس صهیونیست:

ایران خطرناک‌تر از قبل است

دنی سیترونیوچ، کارشناس صهیونیست در حوزه مسائل مرتبط با ایران و همچنین مسؤول سابق میز ایران در سازمان آمان ارتش صهیونیستی در یک روزنامه صهیونیستی نوشت: «در ایران نوعی ذهنیت «پیروزی» در رابطه با جنگ ۱۲ روزه در حال تثبیت است. اگرچه مقامات ایران آشکارا خسارات قابل‌توجه در حملات ارتش اسرائیل را انکار نمی‌کنند اما بقا و استمرار حاکمیت به‌عنوان موفقیتی بزرگ تلقی می‌شود. این امر نشان‌دهنده توانایی ایران در مقاومت برابر اسرائیل و آمریکا ازبایی می‌شود.نباید روحیه «پیروزی» در ایران را نادیده گرفت.» از نظر او،بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای نشان می‌دهد ایران از احتمال درگیری نظامی جدید هیچ هراسی ندارد.



اسرائیل به چیزی بیشتر از درگیری نظامی با ایران نیاز دارد؛ جنگ و ماشه، مکمل یا مقابل هم؟

نبرد در ذهن‌ها

نظامی و پایمردی و پشتیبانی اجتماعی در مقابله نظامی با اسرائیل و توانایی وارد کردن ضربات مهلک به رژیم سبب شد صهیونیست‌ها در پی پایان بخشیدن به جنگ باشند. پرسش این است: آیا این سه، اکنون فراهم نیست؟ آیا اقدام به یک جنگ، دشوارتر از ادامه یک وضعیت جنگی نیست؟

اسرائیل برای اقدام به جنگ به ۲ مؤلفه اساسی نیاز دارد: «غافلگیری» و «هدفمندی». ایران امروز از حیث دفاعی و نظامی، اگر آماده‌تر از خرداد نباشد، آگاه‌تر است. به این معنا که نقشه و راهبرد جنگ برای ضربه زدن به ایران، هر آنچه بوده، در جنگ خرداد آزمون شد. توجه به این نکته قابل اعتناست که این نقشه و راهبرد اولاً بسیار دقیق و ماهرانه بوده و ثانیاً با همراهی و ائتلاف کشورهای دیگری از منطقه و خارج از آن انجام شده. در نتیجه اتکای عنصر غافلگیری در جنگ خرداد بر این ۲ اهرم استوار شده و باید دید آیا این دو اکنون نیز موجود است یا خیر. مؤلفه دومی که اسرائیل برای اقدام به جنگ با ایران به آن نیاز دارد، هدف است. در نبرد خرداد چرا اسرائیل به ایران حمله کرد؟ ترور مقامات نظامی و دانشمندان هسته‌ای در

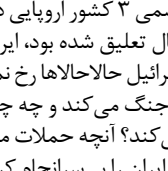
صدای جنگنده، غرش پدافند یا خبر جابه‌جایی تسلیحات نظامی یا جلسه ترامپ و نتانیاهاو؟ کدام یک نشانه جنگ است؟ ساعتی قبل از بامداد جمعه ۲۳ خرداد کدام

یک از این نشانه‌ها واقع شد؟ ۴۸ ساعت بعد از اعلام رسمی ۳ کشور اروپایی درباره بازگشت تحریم‌هایی که ۱۰ سال تعلیق شده بود، ایران در آستانه جنگ است یا حمله اسرائیل حالا‌حالا‌ها رخ نمی‌دهد؟ چه چیزی ایران را مصون از جنگ می‌کند و چه چیزی اسرائیل را به تجاوز ترغیب می‌کند؟ آنچه حملات مکرر و مستمر رژیم صهیونیستی به ایران را بی‌سراتجام کرد، نشان می‌دهد جنگ به تنهایی نمی‌تواند مقصود اسرائیل را برآورده کند، همچنان که در لبنان نیز چنین است. چیزی علاوه بر جنگ، مانند استقبال از متجاوز یا بی‌تفاوتی نسبت به اوضاع و شرایط لازم است تا ورود بیگانه در قلمرو آسان کند. به تعبیر ساده‌تر، خروج ایران از شوک اولیه و جایگزینی فرماندهان و تصمیم‌گیران



محمد رستم‌پور

یک از این نشانه‌ها واقع شد؟ ۴۸ ساعت بعد از اعلام رسمی ۳ کشور اروپایی درباره بازگشت تحریم‌هایی که ۱۰ سال تعلیق شده بود، ایران در آستانه جنگ است یا حمله اسرائیل حالا‌حالا‌ها رخ نمی‌دهد؟ چه چیزی ایران را مصون از جنگ می‌کند و چه چیزی اسرائیل را به تجاوز ترغیب می‌کند؟ آنچه حملات مکرر و مستمر رژیم صهیونیستی به ایران را بی‌سراتجام کرد، نشان می‌دهد جنگ به تنهایی نمی‌تواند مقصود اسرائیل را برآورده کند، همچنان که در لبنان نیز چنین است. چیزی علاوه بر جنگ، مانند استقبال از متجاوز یا بی‌تفاوتی نسبت به اوضاع و شرایط لازم است تا ورود بیگانه در قلمرو آسان کند. به تعبیر ساده‌تر، خروج ایران از شوک اولیه و جایگزینی فرماندهان و تصمیم‌گیران



فاطمه داداشی

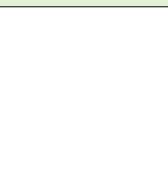
و «قوی شدن». به عبارت دیگر، بیانات رهبری فراتر از توصیه‌ای ارشادی به انسجام اجتماعی است؛ ایشان این ۲ مقوله را به مثابه اجزای یک نظام راهبردی می‌دانند که بقای سیاسی - اجتماعی کشور در پیوند و هم‌افزایی آنهاست. این یادداشت می‌کوشد نسبت دیالکتیکی میان اتحاد و قدرت را تحلیل کند و نشان دهد چرا و چگونه هر یک بدون دیگری دارای خلل و نقصان است.

ابتدا باید اشاره کرد «اتحاد» در سخنان ایشان، نه صرفاً یک پدیده زمانمند و تاکتیکی، بلکه سرمایه‌ای راهبردی است؛ سرمایه‌ای که در شرایط تهدید و تنش، کارکرد بازدارنده و دفاعی می‌یابد. می‌توان نسبت میان این ۲ مؤلفه را در قالب ۳ گزاره تحلیلی خلاصه کرد: نخست، اتحاد به مثابه شرط لازم برای به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع و ظرفیت‌های

آنچه در بازخوانی بیانات اخیر رهبر انقلاب برجسته و راهبردی جلوه می‌کند، تأکید هم‌زمان بر ۲ مؤلفه بنیادین در امنیت و توان ملی در برابر دشمن است: «اتحاد ملی»

و «قوی شدن». به عبارت دیگر، بیانات رهبری فراتر از توصیه‌ای ارشادی به انسجام اجتماعی است؛ ایشان این ۲ مقوله را به مثابه اجزای یک نظام راهبردی می‌دانند که بقای سیاسی - اجتماعی کشور در پیوند و هم‌افزایی آنهاست. این یادداشت می‌کوشد نسبت دیالکتیکی میان اتحاد و قدرت را تحلیل کند و نشان دهد چرا و چگونه هر یک بدون دیگری دارای خلل و نقصان است.

ابتدا باید اشاره کرد «اتحاد» در سخنان ایشان، نه صرفاً یک پدیده زمانمند و تاکتیکی، بلکه سرمایه‌ای راهبردی است؛ سرمایه‌ای که در شرایط تهدید و تنش، کارکرد بازدارنده و دفاعی می‌یابد. می‌توان نسبت میان این ۲ مؤلفه را در قالب ۳ گزاره تحلیلی خلاصه کرد: نخست، اتحاد به مثابه شرط لازم برای به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع و ظرفیت‌های



حسین کیامنش

اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم، در گزارشی که اخیراً با عنوان «ظهور مخفیانه روابط نظامی چین و ایران و معضل اسرائیل» منتشر کرده، به یکی از نگرانی‌های اساسی رژیم صهیونیستی در ماه‌های اخیر پرداخته است: تقویت توان دفاعی و نظامی ایران از طریق حمایت‌های چین.

به‌اذعان این اندیشکده صهیونیستی، همکاری پکن - تهران، بویژه در زمینه موشک‌های بالستیک و سامانه‌های دفاع هوایی پیشرفته مانند HQ-B9 می‌تواند توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع جمهوری اسلامی تغییر دهد. در حالی که رژیم صهیونیستی خود با استقرار ۴ باتری جدید سامانه دفاع موشکی تاد (THAAD) ایالات متحده در روزهای اخیر، توان دفاعی‌اش را تقویت کرده، بشدت نگران است پیشرفت مشابه ایران، با حمایت چین، تهران را در موقعیت برتر قرار دهد.

اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم گزارش می‌دهد در پی جنگ ۱۲ روزه اخیر اسرائیل و آمریکا علیه ایران، دستگاه‌های اطلاعاتی اسرائیل شواهدی از افزایش ارسال‌های نظامی مخفیانه چین به ایران مشاهده کرده‌اند. به ادعای این اندیشکده، این محموله‌ها شامل مواد اولیه برای پیشران‌های موشک بالستیک سوخت جامد و قطعات سیستم هدایت و تخصّص برای بازسازی خطوط تولید موشک بوده است. علاوه بر این، اندیشکده صهیونیستی مدعی شده که چین سیستم‌های پیشرفته موشک سطح به هوا مانند HQ-B9 را به ایران تحویل داده است در مقایسه با سیستم‌های S300 روسیه، در برخی قابلیت‌ها از برتری برخوردارند. به اذعان این اندیشکده صهیونیستی، در

طرح کلی تضعیف ایران جا می‌گیرد و «الزاماً» به سرنگونی جمهوری اسلامی ایران منتج نمی‌شود. اسرائیل به چیزی فراتر از اینها نیاز داشت. ایران ضربه خورد و آسیب دید اما هدفی که روز دوم نبرد، وزیر جنگ اسرائیل بر آن تصریح کرد، یعنی سرنگونی نظام سیاسی ایران، محقق نشد. آیا اسرائیل می‌توانست دامنه جنگ را گسترده‌تر کند و این کار را نکند؟ چه چیزی اسرائیلی را که به هیچ‌یک از معیارهای مثلاً الزام‌آور بین‌المللی پایبند نیست، از ادامه تجاوز به ایران بازداشت و او را به تکاپوی دیپلماتیک برای وارد کردن آمریکا به میدان واداشت؟ چه چیزی معادله را واژگون کرد و رفته‌رفته به تصویر فتح اسرائیل خدشه وارد کرد؟ آیا می‌توان گفت چیزی غیر از قدرتمندی ایران در پاسخگویی به حملات -با همه کمک تجهیزات و لجستیکی و اطلاعاتی‌ای که اسرائیل از کشورهای منطقه و فرامنطقه دریافت می‌کرد- بود؟ در نتیجه گزینه جنگ، گزینه اول غیاب سیاست‌های انسجام‌بخش، موجب فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش مشروعیت می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند اقتدار را آسیب‌پذیر کند. دوم، در مواجهه با فشارها و تهدیدات

فرمول تداوم اتحاد مقدس

بازراندگی بود که با تکیه بر کارایی سیستم نظامی و عملکرد نیروهای امنیتی و دفاعی تقویت شد. از این منظر، تجربه مزبور مثال روشنی است که نشان می‌دهد اتحاد بدون ارانه «تسهانه‌های قدرت» پایدار نیست و نیز اقتدار بدون پشتوانه اجتماعی مشروعیت‌ساز، در معرض آسیب خواهد بود.

این نسبت دارای تبعات سیاستی مهمی است. اول، سیاست‌گذاری کلان باید هم‌زمان متوجه سرمایه‌سازی اجتماعی و سرمایه‌گذاری ساختاری و عملیاتی باشد، سیاست‌هایی که صرفاً متوجه ایجاد همگرایی نمادین باشد، اگر با تقویت زیرساخت‌های علمی، صنعتی و دفاعی همراه نباشد، به اتحاد آتی و شکننده محدود خواهد ماند. از طرف دیگر، تمرکز صرف بر ارتقای ظرفیت‌های سخت قدرت، در غیاب سیاست‌های انسجام‌بخش، موجب فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش مشروعیت می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند اقتدار را آسیب‌پذیر کند. دوم، در مواجهه با فشارها و تهدیدات



کشور است. هنگامی که جامعه بر سر اهداف کلان توافق دارد، امکان بسیج منابع انسانی، مالی و سیاسی برای پروژه‌های ملی فراهم می‌شود. دوم، قدرت و اقتدار به مثابه ابزار حفاظت وحدت، اقتداری که در قالب توان نظامی و توان علمی -فناورانه بروز می‌یابد، از فروپاشی سرمایه اجتماعی در برابر

فشارهای خارجی جلوگیری می‌کند. سوم، رابطه میان اتحاد و اقتدار رابطه‌ای متقابل است. هرگاه یکی ضعیف شود، دیگری تضعیف می‌شود و حلقه بازخورد منفی می‌تواند به آسیب‌های ساختاری به رابطه دیالکتیکی منتهی شود.

نمونه تاریخی و عینی این نسبت را می‌توان در خداد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه جست‌وجو کرد. در آن مقطع، همگرایی اجتماعی اولیه عمدتاً از جنس واکنش سلبی به تهدید خارجی بود اما دوام و استتحکام این همگرایی تا حد زیادی مرهون مشاهده و تجربه نمایش قدرت نظامی و دفاعی کشور بود. آنچه در عمل رخ داد، تبدیل یک واکنش گذرا به وحدتی با قابلیت

صورت چنین اتفاقی، سامانه‌های چینی برد دفاع هوایی ایران را افزایش داده و توانایی‌اش را برای مقابله با حملات هوایی اسرائیل و نفوذهای هوایی آمریکا بهبود می‌بخشد.

این مرکز تحلیلی تأکید می‌کند حمایت چین از ایران، بخشی از یک شراکت استراتژیک گسترده‌تر برای مقابله با نفوذ آمریکا در غرب آسیاست که برای اسرائیل تهدیدی دوجندان ایجاد می‌کند، چرا که با توجه به جنگ ۱۲ روزه، موشک‌های بالستیک ایران، با کلاهک‌های بزرگ، بیشترین پیشرفت‌ه فناوری‌های هاپیرسونیک، توانستند به تنهایی شبکه پدافند چندلایه اسرائیل - شامل گنبد آهنین، فلاخن داوود و رهگیرهای آرو - را به چالش بکشند و از آنها عبور کنند و ورود فناوری چینی، این تهدید را تشدید می‌کند.

اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم توضیح می‌دهد به طور خاص، سامانه‌های پدافندی چینی با محدود کردن فضای هوایی و پیچیده‌تر کردن حملات اسرائیل به تأسیسات موشکی ایران، چالش جدی‌تری برای عملیات هوایی اسرائیل ایجاد خواهند کرد. این اندیشکده تأکید می‌کند حمله مستقیم به سامانه‌های HQ-B9 چینی با محموله‌های مرتبط با آنها به دلیل جایگاه حساس جهانی چین و قاطعیت فزاینده آن، خطر تشدید تنش‌ها و ایجاد یک بحران ژئوپلیتیک گسترده‌تر را به همراه خواهد داشت. با این توضیح، اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم نتیجه می‌گیرد اسرائیل نمی‌تواند به همان شیوه‌ای که به تجهیزات روسی یا ایرانی حمله کرده، به سامانه‌های چینی نیز حمله کند، زیرا این کار می‌تواند واکنش شدید پکن را برانگیزد و پیامدهای دیپلماتیک و اقتصادی سنگینی برای تل آویو به دنبال داشته باشد.

«JCFA» (اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم) هشدار

نتانیاهو در مراسم آغاز سال نو یهودی آرزو کرد این سال، سال پایان محور ایران باشد. در نتیجه، «مسأله» ایران در نظر اسرائیل محدود به جغرافیای ایران نیست. اسرائیل هنوز نتوانسته موضوع غزه را پس از ۲ سال به سرانجام برساند و خلع سلاح حزب‌الله را نیز با دشواری و چالش روبه‌رو می‌بیند. به اعتراف مقامات اسرائیلی، به دلیل مجاهدت و ستودنی یمنی‌ها، اسرائیل حتی یک مقام نظامی یمن را نیز نتوانسته از بین ببرد. در نتیجه، محور ایران، زخمی و آسیب‌دیده هست اما همچنان لقمه راحتی برای بلعیدن نیست. برای اسرائیل کمتر از نابودی جمهوری اسلامی ایران معنادار نیست اما هیچ جنگی به خودی خود نمی‌تواند این هدف را برای صهیونیست‌ها محقق کند. اینجاست که معادله چندوجهی طراحی یک عملیات ترکیبی روی میز می‌آید که به ازای اضافه شدن هر متغیر، سختی طراحی و چالش انجام آن بیشتر می‌شود. گزینه مکمل جنگ برای اسرائیل که روی آن برای ساعات و روزهای پس از بامداد جمعه ۲۳ خرداد حساب کرده بود، «آشوب» بود. آشوب برای به هم زدن ثبات سیاسی، تحت فشار قرار دادن مقامات، مغشوش کردن نظام محاسباتی و بویژه کاستن از پیکره انسجام اجتماعی به کار گرفته می‌شود. مهم‌ترین گرانگاه آشوب که تاکنون بویژه در آبان ۹۸ در ایران اجرا شده، «نارضایتی‌های اقتصادی» برآمده از تحریم است. خلاف آنچه شبکه ۱۴ اسرائیل وابسته به موساد یا خاطرات مقامات امنیتی صهیونیست ترسیم و تصویر می‌کند، تشکیل شبکه عاملان سازمان‌یافته‌ای که در ساعت صفر، ناگهان در پی ترور یا اشغال ادارات و سازمان‌های دولتی یا نظامی باشند، در ایران به دلیل اجتماعی بودن امنیت بسیار دشوار و بعید است. در نتیجه، اسرائیل نه به اتکای نیروی هوایی فناوریانه و نه مبتنی بر یگان‌های مأموران مخفی آموزش‌دیده در روز مبادا نمی‌تواند ضربه‌ای بیشتر از آنچه خرداد وارد کرد، وارد آورد. تنها راهکار باقیمانده برای آنکه همه گزینه‌های ذکرشده بتوانند سهمی از براندازی داشته باشند، در گنج‌های آشوب است؛ آن هم آشوبی که میان صفوف اجتماع فاصله بیندازد و در اصل حمایت از کشور در مقابله با پیگانه تردید ایجاد کند. این آشوب در شرایط کنونی کاملاً به پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه وابسته است. مکانیسم ماشه اگر فشار اقتصادی خردکننده‌ای وارد کند که تاب‌آوری اجتماعی را به شکل محسوسی کاهش دهد و هزینه اعتراض خیابانی را کمتر از هزینه تحمل فشار اقتصادی نشان دهد، می‌تواند خشم‌ساز باشد. خشم نیز به خودی خود نمی‌تواند آشوب راه بیندازد. این انباشت خشم است که مثل فتنی جمع شده و ممکن است به محض رخ دادن یک اتفاق ناراحت‌کننده و حتی عادی، ناگهان جامعه را برآشفته کند و گروه‌های متعرض را بی‌هوا و بی‌هدف به خیابان بکشانند. هر شکل از اعتراض خیابانی، فرصتی است برای فعال شدن گروهک‌هایی که به سبب گستردگی امنیت اجتماعی، جرأت و فرصت رویارویی آشکار با نظام را ندارند. در نتیجه، آنچه جنگ با همه خشونت و خسارتش نتوانست به بار آورد و اتفاقاً خلاف آن یعنی ظهور حمایت سرسختانه از جمهوری اسلامی ایران را تثبیت کرد، آشوب می‌تواند بسازد. با این نگاه، جنگ نزدیک نیست، مگر آنکه ماشه واقعاً چکنده شود. سایه جنگ پیش از آنکه روی ناوها یا بر لبه پهنای‌ها نقش ببندد، روی ذهن‌ها می‌افتد. ذهن هر اندازه شرایط عادی و حتی سخت باشد، فرضی از جنگ به خود راه نمی‌دهد. تا زمانی که تقدم و تأخر «جنگ - آشوب» به «آشوب و بعد جنگ» تغییر نکند، اسرائیل شکست خورده است؛ حتی اگر نتانیاهو هر شب با ترامپ جلسه بگذارد.

خارجی، راهبرد «فلاعی/توسعه‌ای» باید چندلایه باشد: لایه‌ای

از بازراندگی سخت (نظامی و عملیاتی)، لایه‌ای از مقاومت اقتصادی و لایه‌ای از تقویت شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی که توان نفوذ دشمن را کاهش دهد. این راهبرد چندلایه وقتی کار آمد است که هر لایه به‌طور متقابل دیگری را تقویت کند؛ به عنوان مثال توسعه علوم و فناوری‌های استراتژیک نه صرفاً برای تحقق خودکفایی اقتصادی، بلکه به عنوان منبع مشروعیت و عامل تقویت وحدت اجتماعی نیز باید دیده شود. سوم، روایت و تقریر وضعیت ایران در صحنه بین‌المللی، چه در عرصه نبردهای سیاسی و امنیتی و چه در جابایی اقتدار ایران در عرض سایر کشورهای جهان، نقش کلیدی در تقویت مؤلفه‌های ایجابی اتحاد و تثبیت پایه‌های اقتدار خواهد داشت. در پایان، می‌توان چنین نتیجه گرفت: اتحاد و قدرت ۲ مؤلفه تفکیک‌ناپذیر سیاست ملی‌اند. وحدت، بدون قدرت و اقتدار، وضعیتی موقت و شکننده خواهد بود و قدرت بدون پشتوانه وحدت، ساختاری بی‌ریشه و در معرض فروپاشی است. فهم این نسبت به عنوان سیاست راهبردی و تبدیل آن به یک استراتژی عملی، علاج وضعیت آشوبناک ما در صحنه بین‌الملل، مسیر پایدار پیشرفت و توسعه خواهد بود.

در نهایت

۱۰ درصد نیازهای انرژی اقتصاد عظیم چین را تأمین می‌کند-

به عنوان اهرمی استراتژیک استفاده کنند. اعمال تحریم‌های هماهنگ، تشدید ممانعت از حمل‌ونقل دریایی و فشار مالی بر پالایشگاه‌های چینی و واسطه‌های صادرات نفت ایران می‌تواند پکن را وادار به بازنگری در حمایت نظامی خود کند. در نهایت

اندیشکده امنیت و امور خارجه اورشلیم توصیه می‌کند هم‌زمان اسرائیل باید عملیات اطلاعاتی و خرابکارانه مخفی خود را علیه زنجیره‌های تولید و تأمین موشک ایران، بویژه تأسیسات بازسازی‌شده با کمک چین، گسترش دهد. در نهایت

عمومی برای افشای همدستی چین در تسهیل تکثیر موشک‌های ایرانی در مجامع بین‌المللی و رسانه‌ها استفاده و با افزودن هزینه شهرت به حمایت نظامی پکن از تهران، آن را به عنوان تهدیدی برای ثبات جهانی معرفی کند. ■ **تقویت نظامی رژیم در برابر محدودیت ایران** در حالی که رژیم صهیونیستی پروژه مهار پیشرفت و تقویت نظامی ایران در بستر همکاری با چین را دنبال می‌کند، خود در حال تقویت توان دفاعی‌اش است؛ چه آنکه در روزهای اخیر، آمریکا ۴ باتری جدید سامانه دفاع موشکی تاد (THAAD) را در سرزمین اشغالی مستقر کرد و تعداد باتری‌های موجود در اسرائیل را به ۱۰ عدد رساند؛ اقدامی که نشان‌دهنده تعهد آمریکا به حفظ برتری نظامی رژیم صهیونیستی در منطقه است. با این حال، JCFA،بخاش‌های نا ناخن را برجسته می‌کند: اسرائیل در حالی که از یک سو با همکاری نزدیک با آمریکا و دیگر شرکای غربی، توان نظامی خود را ارتقا می‌دهد، از سوی دیگر بشدت نگران است ایران هم در قالب همکاری با چین، به سطح مشابهی از پیشرفت نظامی دست یابد.

از نظر اقتصادی نیز JCFA پیشنهاد می‌دهد رژیم صهیونیستی و آمریکا باید از وابستگی چین به نفت ایران - که